



نمازهای سه گانه

وضو

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ لَهُ أَنْ يَغْسِلَ يَدَيْهِ وَفِي حِينِ لُغْسَلِ يَقُولُ:

إِلَهِي قُوَّ يَدَيَّ لِتَأْخُذَ كِتَابَكَ بِاسْتِقَامَةٍ لَا تَمْنَعُهَا جُنُودُ الْعَالَمِ ثُمَّ احْفَظْهَا
عَنِ التَّصَرُّفِ فِيمَا لَمْ يَدْخُلْ فِي مَلِكِهَا * إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ.

وکسی که خواست اینکه نماز بگذارد بر اوست اینکه بشوید دو دستش را و در هنگام شستن بگوید: خدای من قوت بده و قوی کن دست مرا تا بگیرد کتابت را با پایداری که باز ندارد آنها را لشکریان عالم، سپس حفظ فرما آن را از تصرف کردن در آنچه داخل نشده در ملک آن {دست} بدرستی که توئی مقتدر و قدیر.

وَفِي حِينِ غَسْلِ الْوَجْهِ يَقُولُ:

أَيُّ رَبِّ وَجْهَتُ وَجْهِي إِلَيْكَ * نُورُهُ بِنُورِ وَجْهِكَ ثُمَّ احْفَظْهُ عَنِ التَّوَجُّهِ
إِلَى غَيْرِكَ.

و در هنگام شستن صورت بگوید: ای پروردگار من روی نمودم و جهم را بسوی تو. نورانی فرما آن را به نورهای وجهت و جهت حفظ بفرما آن را از توجه بسوی غیر خودت.

بشارتِ عظمی

... آیات منزله در سنین قبل که مخصوص صلوة نازل شده بفرست و بنویس لعمر الله نفعاتش عاشقین را جذب نماید و ساکنین را باهتزاز آرد و منصفین را حیات بخشد و لکن * (اول) هر هنگام و هر وقت که انسان در خود حالت اقبال و خضوع مشاهده نماید بعمل آرد * (وثانی) در بامداد و حین زوال و اصیل * (وثالث) از زوال بزوال
انتهی

نماز صغیر

(صلاة صغیر که از زوال به زوال تلاوت می شود)

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ وَ عِبَادَتِكَ *
أَشْهَدُ فِي هَذَا الْحِينِ

بِعَجْزِي وَ قُوَّتِكَ وَ ضَعْفِي وَ اقْتِدَارِكَ وَ فَقْرِي وَ غِنَائِكَ *
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيِّمُ الْقَيُّومُ.

گواهی می دهم ای معبود من بدرستی که تو خلق فرمودی مرا برای شناسائیت و بندگیت.
گواهی می دهم در این هنگام
به ناتوانی خودم و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی نیازی تو.
نیست معبودی جز توی مهیمن قیوم.

ثُمَّ يَوْمَ الْقُنُوتِ وَيَقُولُ:

يَا إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ تَشَبَّهَ بِأَنَا مِلِ الرَّجَاءِ بِأَذْيَالِ رَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

سپس بایستد برای قنوت و بگوید:

ای معبود من محروم و ناامید مفرما کسی را که چنگ زده است با انگشتان آرزو به دامنهای رحمت تو و فضل تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ثُمَّ يَقْعُدُ وَيَقُولُ:

أَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفَرْدَانِيَّتِكَ وَبَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * قَدْ أَظْهَرْتَ أَمْرَكَ وَوَفَيْتَ بَعْدَكَ وَفَتَحْتَ بَابَ فَضْلِكَ عَلَيَّ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ * وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ وَالتَّكْبِيرَ وَالْبَهَاءَ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ مَا مَنَعْتَهُمْ شُؤْنَاتُ الْخَلْقِ عَنِ الْإِقْبَالِ إِلَيْكَ وَانْفَقُوا مَا عِنْدَهُمْ رَجَاءً مَا عِنْدَكَ * إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.

سپس بنشیند و بگوید:

گواهی می دهم به یکتائی و فرد و تنها بودن تو و به اینکه بدرستی تو خدائی و نیست خدائی بغیر از تو. ظاهر فرموده ای امرت را و وفا فرموده ای و اكمال فرموده ای عهدت را و باز فرموده ای در فضلت را بر کسانیکه در آسمانها و زمینها می باشند. درود و تهیت و سلام و تکبیر و نورانیت و جلال بر دوستدارانت آنانیکه منع نمودشان و باز نداشت آنان را شأنها و حالات خلق از روی آوردن به تو و انفاق کردند آنچه را نزدشان بود به آرزوی آنچه نزد تو است بدرستی که تویی غفور کریم.



نماز وسطی

(صلاة وسطی که در بامداد و حین زوال (ظهر تا غروب)

واصیل (بعد از غروب) تلاوت می شود)

وَبَعْدُ لَهُ أَنْ يَقُومَ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ وَيَقُولُ:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * لَهُ الْأَمْرُ وَالْخَلْقُ * قَدْ أَظْهَرَ مَشْرِقَ الظُّهُورِ وَ مَكَلَّمَ الطُّورَ الَّذِي بِهِ أَنَارَ الْأَفُقَ الْأَعْلَى وَ نَطَقَتْ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى وَ ارْتَفَعَ النَّدَاءُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ أَتَى الْمَالِكُ وَالْمَلَكُوتُ وَالْعِزَّةُ وَالْجَبْرُوتُ لِلَّهِ مَوْلَى الْوَرَى وَمَالِكِ الْعَرْشِ وَالشَّرَى.

و بعد بر اوست اینکه بایستد در حالیکه روی نموده بسوی قبله و بگوید:

گواهی می دهد خداوند بدرستی که نیست خدائی جز او. از برای اوست امر فرمودن و خلق کردن. ظاهر فرموده است محل تابش ظهور و تکلم کننده کوه طور را که به وسیله آن روشن شد افق اعلی و نطق فرمود سدره منتهی و بالا رفت این ندا بین زمین و آسمان. به تحقیق آمده است مالک ملک و ملکوت و بزرگواری و جبروت از برای خدائی (که) آقای خلق و صاحب عرش و زمین است.

ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَقُولُ:

سُبْحَانَكَ عَنْ ذِكْرِي وَ ذِكْرِ دُونِي وَ وَصْفِي وَ وَصْفِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ.

سپس به رکوع رود و بگوید:

پاک و مقدسی از ذکر من و ذکر غیر من و وصف من و وصف و تعریف کسی که (کسانیکه) در آسمانها و زمینها هستند.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيَقُولُ:

يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ وَمَحْبُوبَ الْأُمَّمِ تَرَانِي مُقْبِلًا إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَمَّا سِوَاكَ
مُتَمَسِّكًا بِحَبْلِكَ الَّذِي بِحَرَكَتِهِ تَحَرَّكَتِ الْمُمْكِنَاتُ * أَيُّ رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ
وَابْنُ عَبْدِكَ * أَكُونُ حَاضِرًا قَائِمًا بَيْنَ أَيْدِي مَشِيَّتِكَ وَإِرَادَتِكَ وَ مَا
أُرِيدُ إِلَّا رِضَائِكَ * أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ رَحْمَتِكَ وَ شَمْسِ فَضْلِكَ بِأَنْ تَفْعَلَ
بِعَبْدِكَ مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى * وَ عِزَّتِكَ الْمُقَدَّسَةَ عَنِ الذِّكْرِ وَ الشَّنَاءِ كُلِّ مَا
يُظْهِرُ مِنْ عِنْدِكَ هُوَ مَقْصُودُ قَلْبِي وَ مَحْبُوبُ فُؤَادِي * إِلَهِي إِلَهِي لَا تَنْظُرْ
إِلَى آمَالِي وَ أَعْمَالِي بَلْ إِلَى إِرَادَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ
* وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ يَا مَالِكَ الْأُمَّمِ مَا أَرَدْتُ إِلَّا مَا أَرَدْتَهُ وَ لَا أُحِبُّ إِلَّا
مَا تُحِبُّ *

سپس بالا ببرد دو دستش را از برای قنوت برای خداوند تبارک و تعالی و بگوید:

ای مقصود عالم و محبوب امتها می بینی مرا در حال اقبال بسوی تو در حال انقطاع از آنچه جز تو است در حال تمسک به ریسمان تو که بحرکت آن بحرکت آمد ممکنات. ای پروردگار من، من بنده‌ی توام و زاده‌ی بنده تو. می باشم حاضر ایستاده بین دستهای مشیت و اراده تو و نمی خواهم مگر رضای تو را. از تو سوال می نمایم به دریای رحمت و آفتاب فضلت به اینکه عمل بفرمائی برای بنده ات آنچه دوست داری و راضی می باشی و به بزرگواریت که مقدس است از ذکر و ثناء هر آنچه ظاهر میشود از نزد تو مقصود قلب من است و دوست داشته فواد و قلب من. معبود من، معبود من نظر مفرما به آرزوهای من و عملهای من بلکه به اراده و خواست خودت که احاطه فرمود آسمانها و زمین را و به اسم اعظمت ای مالک اُمتهای. نمی خواهم مگر آنچه تو می خواهی آن را و دوست ندارم مگر آنچه را که تو دوست داری.

نماز کبیر

(صلوة کبیر تلاوت آن یک بار در شبانه روز کافی است.)

هُوَ الْمُنْزِلُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

لِلْمُصَلِّي أَنْ يَوْمَ مُقْبِلًا إِلَى اللَّهِ وَإِذَا قَامَ وَاسْتَقَرَّ فِي مَقَامِهِ يَنْظُرُ إِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ كَمَنْ يَنْتَظِرُ رَحْمَةً رَبِّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ يَقُولُ:

يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ وَ فَاطِرَ السَّمَاءِ أَسْأَلُكَ بِمَطَالِعِ غَيْبِكَ الْعَلِيِّ الْأَبْهَى بِأَنْ
تَجْعَلَ صَلَاتِي نَارًا لِتُحْرِقَ حُجُبَاتِي الَّتِي مَنَعْتَنِي عَنْ مُشَاهَدَةِ جَمَالِكَ وَ
نُورًا يَدُلُّنِي إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ.

اوست نازل کننده غفور مهربان

بر نمازگذار است که بایستد در حالیکه روی می آورد بسوی خدا و زمانیکه ایستاد و قرار گرفت در جای خود بنگرد به طرف راست و چپ. مانند کسیکه انتظار می کشد رحمت پروردگارش را که رحمن رحیم است. سپس بر اوست که بگوید:

ای معبود اسمها و خالق آسمانها، از تو سوال می کنم به محلهای طلوع پنهانیت که شکوه مندترین و نورانی ترین است به اینکه قرار بفرمائی نمازم را آتشی تا بسوزاند پرده هایی که منع کرد مرا از دیدن جمال تو و نوری که مرا دلالت و راهنمایی می کند به دریای وصال تو.

سپس بالا برد دو دستش را از برای قنوت بار دیگر و بگوید:

ای کسی که در دوری تو ذوب شد و گداخت دلها و جگرها و به آتش دوستی و حب تو به شعله درآمدند کسانیکه در شهرها هستند از تو سوال می‌نمایم به اسمت که بوسیله‌ی آن به زیر فرمان آوردی دنیا را با اینکه باز نداری مرا از آنچه نزد تو است ای مالک بندگان. ای پروردگار من می‌بینی این غریب را که سرعت گرفت به سوی وطن اعلا‌ی خود که سایه خیمه‌های بزرگواری تو و جوار رحمت می باشد این گنهکار را که قصد دریای غفران و آمرزش تو را نموده و این ذلیل و خوار را که بساط بزرگواری تو را خواسته این فقیر را که افق بی نیازی تو را خواسته. امر از آن توست در آنچه بخواهی گواهی می دهی بدرستی که تو محمودی در فعلت و مورد اطاعت در حکمت و صاحب اختیار در امر خودت.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

سپس بالا برد دو دستش را و تکبیر (الله ابهی) بگوید سه مرتبه،

ثُمَّ يَنْحَنِي لِلرُّكُوعِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيَقُولُ:

یا الهی تری رُوحی مُهْتَزّاً فی جوارِحی وَ ارْکانی شَوْقاً لِعِبَادَتِکَ وَ شَغْفاً لِدِکْرکَ وَ ثَنائکَ وَ یَشْهَدُ بما شَهِدَ به لِسَانِ اَمْرکَ فی مَلْکُوتِ بَیانکَ وَ جَبْرُوتِ عِلْمِکَ * اَی رَبِّ اَحَبُّ اَنْ اَسْئَلْکَ فی هَذَا المَقامِ کُلِّ ما عِنْدَکَ لِاثْبَاتِ فُقْرَی و اِعْلاءِ عِطائِکَ وَ غنائِکَ وَ اِظْهارِ عَجْزِی وَ اِبرازِ قُدْرَتِکَ وَ اِقْتِداریکَ.

سپس خم شود برای رکوع از برای خداوند تبارک و تعالی و بگوید:

ای معبود من می‌بینی روح مرا در حالیکه به اهتزاز در آمده در اعضاء و ارکان من در حال شوق از برای بندگی تو و در حد اعلا‌ی شوق و محبت از برای ذکر تو و ثنایت و گواهی

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ:

سُبْحانَكَ مِنْ اَنْ تُوصَفَ بِوَصْفِ ما سِواكَ اَوْ تُعْرَفَ بِعِرْفانِ دُونِكَ.

سپس به سجده رود و بگوید:

پاک و مقدسی تو از اینکه وصف کرده شوی به وصف و تعریف آنچه که جز خودت باشد یا شناخته بشوی با عرفان و شناسائی غیر خودت.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ:

اَی رَبِّ فَاجْعَلْ صَلاتِی کَوْثَرَ الحَیْوانِ لِیَبْقَی بِهِ ذاتِی بِدَوامِ سَلْطَنَتِکَ وَ یَذْکُرْکَ فی کُلِّ عَالمٍ مِنْ عَوالِمِکَ.

سپس بایستد و بگوید:

ای پروردگار من پس قرار بفرما نمازم را چشمه‌ی آب حیات و زندگانی تا باقی بماند بدان وسیله ذات و وجود من به دوام سلطنت خودت و تا ذکر کند تو را در هر عالمی از عالم‌هایت.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ مَرَّةً أُخْرَى وَيَقُولُ:

یا مَنْ فی فِراقِکَ ذابَتِ القُلُوبُ وَ الاَکْبادُ وَ بنارِ حُبِّکَ اَشْتَعَلَ مِنْ فی البِلادِ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی بِهِ سَخَّرْتَ الاَفاقَ بِاَنَّ لا تَمْنَعَنی عَمّا عِنْدَکَ یا مالِکَ الرُّقابِ * اَی رَبِّ تَرى الغَربَ سَرَعَ اِلی وَطَنِهِ الاَعْلَی ظِلِّ قِبابِ عَظَمَتِکَ وَ جِوارِ رَحْمَتِکَ وَ العاصِیِ قَصَدَ بَحْرَ غُفْرائِکَ وَ الدَّلِیلِ بساطِ عِزِّکَ وَ الفَقِیرِ اُفُقَ غنائِکَ * لَکَ الامرُ فِیما تَشاءُ * اَشْهَدُ اَنَّکَ اَنْتَ المَحْمُودُ فی فِعْلِکَ وَ المَطاعُ فی حُکْمِکَ وَ المَخْتارُ فی اَمْرِکَ.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَقُولُ:

اللَّهُ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ

سپس بالا برد دو دستش را سه بار و بگوید:

خداوند بزرگتر است از هر بزرگی.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ:

سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تَصْعَدَ إِلَى سَمَاءِ قُرْبِكَ أَذْكَارُ الْمُقَرَّبِينَ أَوْ أَنْ تَصِلَ إِلَى
فِنَاءِ بَابِكَ طُيُورُ أَفْتَدَةِ الْمُخْلِصِينَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ مُقَدَّسًا عَنْ
الْصِّفَاتِ وَمَنْزَهًا عَنِ الْأَسْمَاءِ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَبْهَى.

سپس به سجده رود و بگوید:

پاک و مقدسی از اینکه بالا برود به آسمان قرب و نزدیکی تو ذکرهای مقربین یا اینکه وصل
شود و برسد به آستانه‌ی در تو پرندگان دل‌های مخلصین. گواهی می‌دهم بدرستی که تو مقدسی
از صفات و منزهی از اسمها. نیست معبودی جز تو که بلندمرتبه‌ترین و پر جلال‌ترین و
نورانی‌ترین می‌باشی.

ثُمَّ يَقْعُدُ وَيَقُولُ:

أَشْهَدُ بِمَا شَهِدْتَ الْأَشْيَاءَ وَالْمَلَأُ الْأَعْلَى وَالْجَنَّةَ الْعُلْيَا وَعَنْ وِرَائِهَا
لِسَانُ الْعَظْمَةِ مِنَ الْأُفُقِ الْأَبْهَى أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَالَّذِي ظَهَرَ
إِنَّهُ هُوَ السِّرُّ الْمَكْنُونُ وَالرَّمْزُ الْمَخْزُونُ الَّذِي بِهِ افْتَرَنَ الْكَافُ بَرْكِنَهُ النَّوْنِ *
أَشْهَدُ أَنَّهُ هُوَ الْمَسْطُورُ مِنَ الْقَلَمِ الْأَعْلَى وَالْمَذْكُورُ فِي كِتَابِ اللَّهِ رَبُّ
الْعَرْشِ وَالنَّارِ.

می‌دهد به آنچه گواهی داد به آن لسان امر تو در ملکوت بیان تو و جبروت علم تو ای پروردگار
من. دوست دارم اینکه از تو سوال کنم در این مقام از هر آنچه نزد تو است برای ثابت کردن
فقر و نداری خودم و بالا بردن عطا و غنا و بی نیازی تو و ظاهر کردن عجز خودم و آشکار کردن
قدرت و اقتدار تو.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى وَيَقُولُ:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَكِيمُ فِي الْمَبْدِئِ وَالْمَبَابِ
* إِلَهِي إِلَهِي عَفْوُكَ شَجَّعَنِي وَرَحْمَتُكَ قَوَّتَنِي وَنِدَاؤُكَ أَيْقَظَنِي وَ
فَضْلُكَ أَقَامَنِي وَهَدَانِي إِلَيْكَ وَالْإِلَهَ مَا لِي وَشَأْنِي لِأَقُومَ لَدَى بَابِ
مَدِينِ قُرْبِكَ أَوْ أَتَوَجَّهَ إِلَى الْأَنْوَارِ الْمُشْرِقَةِ مِنْ أَفُقِ سَمَاءِ إِرَادَتِكَ * أَيُّ
رَبِّ تَرَى الْمَسْكِينِ يَقْرَعُ بَابَ فَضْلِكَ وَالْفَانِي يُرِيدُ كَوَثَرَ الْبَقَاءِ مِنْ أَيَادِي
جُودِكَ * لَكَ الْأَمْرُ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ يَا مَوْلَى الْأَسْمَاءِ وَلِي التَّسْلِيمُ وَ
الرِّضَاءُ يَا فَاطِرَ السَّمَاءِ.

سپس بایستد و بالا برد دو دستش را برای قنوت دیگری و بگوید:

نیست معبودی جز تویی عزیز و هاب. نیست معبودی مگر تویی حکم کننده در ابتدا و انتها.
معبود من معبود من عفو تو مرا شجاع کرد و رحمت تو قوت بخشید مرا ندایت مرا بیدار کرد و
فضلت بر پا داشت مرا و راهنمایی فرمود بسوی تو و گرنه مرا و شأن مرا چه تا بایستد نزد
شهر قرب و نزدیکی تو یا روی آورد به طرف نورهای تابان از کرانه آسمان و مقام ارجمند
اراده‌ی تو. ای پروردگار من می‌بینی این بیچاره را که می‌گوید در فضلت را و این فانی را که
می‌خواهد چشمه‌ی بقاء را از دستهای جودت برای تو است امر در همه‌ی احوال ای آقای
اسم‌ها و برای من است تسلیم و رضا ای خالق آسمان.

فضا و ساحت و به نفحات (بوهای خوش) وحی تو و نسیمهای فجرِ ظهورت باینکه مقدر
بفرمائی برایم زیارت جمالت را و عمل به آنچه در کتابت هست.

ثُمَّ يُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَرْكَعُ وَيَقُولُ:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا آيَّدْتَنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَ ثَنَائِكَ وَ عَرَّفْتَنِي مَشْرِقَ
آيَاتِكَ وَ جَعَلْتَنِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ وَ خَاشِعًا لِأُلُوهِيَّتِكَ وَ مُعْتَرِفًا بِمَا نَطَقَ
بِهِ لِسَانُ عَظَمَتِكَ.

سپس سه بار تکبیر (الله ابهی) بگوید و در رکوع بگوید:

برای تو است حمد و ستایش ای معبود من بدان سبب که تائیدم فرمودی بر ذکر خودت و ثنای
خودت و شناسانیدی به من محل تابش آیات را و مرا قرار فرمودی خاضع از برای پروردگاریت
و خاشع از برای خداوندیت و معترف به آنچه نطق فرمود بدان زبان عظمت و بزرگواری تو.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ:

إِلَهِي إِلَهِي عِضْيَانِي أَنْقَضَ ظَهْرِي وَ غَفَلْتِي أَهْلَكْتَنِي * كَلَّمَا أَتَفَكَّرُ فِي
سُوءِ عَمَلِي وَ حُسْنِ عَمَلِكَ يَذُوبُ كَبِدِي وَ يَغْلِي الدَّمُ فِي عُرُوقِي * وَ
جَمَالِكَ يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ إِنَّ الْوَجْهَ يَسْتَحْيِي أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ وَ آيَادِي
الرَّجَاءِ تَخْجَلُ أَنْ تَرْتَفَعَ إِلَى سَمَاءِ كَرَمِكَ * تَرَى يَا إِلَهِي عِبْرَاتِي تَمْنَعُنِي
عَنِ الذُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ يَا رَبَّ الْعَرْشِ وَ الثَّرَى * أَسْأَلُكَ بِآيَاتِ مَلَكُوتِكَ وَ
أَسْرَارِ جِبْرُوتِكَ بِأَنْ تَعْمَلَ بِأَوْلِيَائِكَ مَا يَنْبَغِي لِجُودِكَ يَا مَالِكَ الْوُجُودِ وَ
يَلِيقُ لِفَضْلِكَ يَا سُلْطَانَ الْغَيْبِ وَ الشُّهُودِ.

سپس بنشیند و بگوید:

گواهی می دهم به آنچه گواهی دادند اشیاء و گروه عالم بالا و جنت علیا و ازوراء و پشت سر
آنها لسان عظمت و بزرگواری از اُفق ابهی بدرستی که تو خدائی هستی که نیست معبودی جز تو
و کسی که ظاهر شد بدرستی که اوست سر مکنون و رمز مخزون که به او قرین شد کاف به رکنش
نون (کُن یعنی خلق شو) گواهی می دهم بدرستی که اوست نوشته شده از قلم اعلی و ذکر شده
در کتابهای خداوند پروردگار عرش و زمین.

ثُمَّ يَقُومُ مُسْتَقِيمًا وَيَقُولُ:

يَا إِلَهَ الْوُجُودِ وَ مَالِكَ الْغَيْبِ وَ الشُّهُودِ تَرَى عِبْرَاتِي وَ زَفْرَاتِي وَ تَسْمَعُ
ضَجِيجِي وَ صَرِيخِي وَ حَنِينَ فُؤَادِي وَ عَزَّتِكَ اجْتِرَاحَاتِي أَبْعَدْتَنِي عَنِ
التَّقَرُّبِ إِلَيْكَ وَ جَرِيرَاتِي مَنَعْتَنِي عَنِ الْوُرُودِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ، أَيُّ رَبِّ
حُبِّكَ أَضْنَانِي وَ هَجْرُكَ أَهْلَكْنِي وَ بَعْدُكَ أَحْرَقْنِي أَسْأَلُكَ بِمَوْطِئِ
قَدَمَيْكَ فِي هَذَا الْبَيْدَاءِ وَ بَلِييِكَ لَبِييِكَ أَصْفِيائِكَ فِي هَذَا الْفُضَاءِ وَ
بِنَفْحَاتِ وَحْيِكَ وَ نَسَمَاتِ فَجْرِ ظُهُورِكَ بِأَنْ تُقَدِّرَ لِي زِيَارَةَ جَمَالِكَ وَ
الْعَمَلَ بِمَا فِي كِتَابِكَ.

سپس بایستد و بگوید:

ای اله وجود و مالک پنهانی و آشکارا، می بینی اشکهای مرا و آههای مرا و می شنوی صدای
گریهی مرا و فریاد مرا و ناله ای دل مرا و به بزرگواریت که گناهان من دور کرد مرا از نزدیک
شدن به تو و خطاهایم باز داشت مرا از وارد شدن در فضای قدس تو. ای پروردگار من حب و
دوستی تو مرا قوت بخشید و دوری تو و هجران تو مرا هلاک نمود و دور بودن از تو مرا سوزانید
از تو سوال می نمایم به قدمگاهت در این بیابان و به لبیک لبیک گفتن برگزیدگانت در این

ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ يَقْعُدُ وَيَقُولُ:

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِمَا شَهِدَ بِهِ أَصْفِيَاؤُكَ وَاعْتَرَفَ بِمَا اعْتَرَفَ بِهِ أَهْلُ
الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَالَّذِينَ طَافُوا عَرْشَكَ الْعَظِيمَ * الْمَلِكُ وَالْمَلَكُوتُ
لَكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

سپس بالا برد سرش را و بنشیند و بگوید:

گواهی می‌دهم ای معبود من به آنچه شهادت دادند به آن برگزیدگان تو و اعتراف می‌کنم به
آنچه اعتراف کردند به آن ساکنین بهشت برین و آنانی که طواف کردند به دور عرش عظیم تو.
ملک و ملکوت از آن تو است ای معبود عالمها.

سپس بایستند و بگویند:

خدای من خدای من گناه من شکست پشت مرا و غفلت من مرا هلاک کرد هر هنگام می
اندیشم در بدی عملم و نیکی عمل تو می‌گذارد جگرم و به جوشش در می‌آید خون در
رگهایم و به جمالت ای مقصود عالم بدرستی رویم حیا می‌کند و خجالت می‌کشد باینکه رو
به سوی تو نمایم و دستهای آرزو خجالت می‌کشد از اینکه بالا برود به آسمان کرم تو می‌بینی
ای معبود من اشکهای مرا که مرا باز می‌دارد از ذکر و ثنا، ای پروردگار عرش و زمین سوال
می‌کنم از تو به آیات ملکوت و اسرار جبروتت باینکه عمل بفرمائی نسبت به دوستانت آنچه
سزاوار بخشش تو است ای صاحب وجود و هستی و لایق فضل تو است ای سلطان غیب و
آشکارا.

ثُمَّ يَكْبِرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَسْجُدُ وَيَقُولُ:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهَنَا بِمَا أَنْزَلْتَ لَنَا مَا يُقَرِّبُنَا إِلَيْكَ وَ يَرَزُقُنَا كُلَّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ
فِي كُتُبِكَ وَ زُبْرِكَ * أَيُّ رَبِّ نَسْتَلُكَ بِأَنْ تَحْفَظَنَا مِنْ جُنُودِ الظُّنُونِ وَ
الْأَوْهَامِ * إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلَّامُ.

سپس سه بار تکبیر (الله ابهی) بگوید و سجده رود و بگوید:

حمد و ستایش تو را سزاست ای معبود ما بدان سبب که فروفرستادی برایمان آنچه را که ما را
نزدیک کند به سویت و هر خیری که مرزوق دارد ما را فروفرستادی در کتابهایت و نوشتجاتت
ای پروردگار من از تو سوال می‌نمایم به اینکه حفظ بفرمائی ما را از لشکریان خیالات و اوهام
بدرستی که توئی پروردگاری نهایت دانا .